

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

معاونت آموزشی

دیرخانه شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی

مرکز سنجش آموزش پزشکی

سؤالات آزمون ورودی دکتری تخصصی (Ph.D)

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

استعداد تحصیلی

لطفاً توجه فرمایید سؤالات این دفترچه از شماره ۱۷۱ شروع شده است. لذا پاسخ سؤالات را بر روی پاسخنامه از شماره ۱۷۱ آغاز نمایید.

تعداد سؤالات: ۳۰

زمان پاسخگویی: ۶۰ دقیقه

تعداد صفحات: ۱۱

مشخصات داوطلب:

نام:

نام خانوادگی:

داوطلب عزیز

لطفاً قبل از شروع پاسخگویی:

دفترچه سؤالات را از نظر تعداد صفحات به دقت مورد بررسی قرار داده و در صورت وجود هرگونه اشکال به مسئولین جلسه اطلاع دهید.

توجه: استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

استعداد تحصیلی

بخش اول

راهنمایی:

در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هر یک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

متن اول:

هر چند اضافه وزن و چاقی با مصرف بالای غذا و به خصوص غذاهای پرکالری رابطه دارد، اما تعیین‌کننده‌های زیربنایی رفتار مصرف غذا معلوم نیست. در تلاش برای فهم تعیین‌کننده‌های مصرف بیش از حد غذا، پژوهشگران به طور فزاینده‌ای بر سازه‌های اختصاصی‌تر خوردن همچون ولع به غذا تمرکز کرده‌اند. ولع را می‌توان به صورت یک حالت انگیزشی فیزیولوژیکی یا روان‌شناختی تعریف کرد که رفتارهای جست‌وجویی و بلعی نسبت به غذا یا مواد را افزایش می‌دهد. نیاز زیستی و تکاملی ما برای جست‌وجوی غذا همراه با دسترسی آسان به آن در دنیای مدرن امروز باعث ولع به غذا شده است. [۱]

یک فرض با نفوذ در ادبیات پژوهشی ولع به غذا این است که ولع از نیاز به جبران کمبودهای فیزیولوژیکی (مثلاً کاهش انرژی) ناشی می‌شود. محدودیت انرژی و عدم تعادل هموستاتیک باعث ولع شده و فرد را به سوی بیش‌خوری سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد که این فرض ریشه در این مشاهده دارد که ولع غالباً به غذاهای خاصی محدود می‌شود و این که خوردن چنین موادی می‌تواند کمبودهای تغذیه‌ای را جبران کند. [۲] با این حال به نظر نمی‌رسد که زیر ساخت این رفتار صرفاً زیستی باشد. بسیاری از پژوهشگران نقش تأثیرات زیستی را در این پدیده کم‌اهمیت دانسته و فرایندهای روان‌شناختی را علت ولع در نظر می‌گیرند. برای مثال، ولع به غذا با عاطفه منفی، محرک‌های حسی، محیطی و شناختی مرتبط با غذا و همچنین احساس گناه و استرس مرتبط است. [۳]

ولع به غذا با مشکلاتی نظیر پر خوری افراطی، علائم اختلال خوردن، رژیم‌های انعطاف‌ناپذیر، ترک زودهنگام درمان‌های کاهش وزن، علائم اعتیاد به غذا و اضافه وزن و چاقی مرتبط است. همچنین اثربخشی درمان دارویی در کاهش اجباری، احتمالاً به این دلیل است که داروهای افزایش‌دهنده‌ی سروتونین ولع به غذا را مسدود کرده یا کاهش می‌دهند. [۴] با توجه به اهمیت نظری و بالینی ولع به غذا و تأثیر بالقوه آن در مصرف غذا و مسائل مرتبط با خوردن و وزن، برای ولع به غذا وجود یک مقیاس جامع و برخوردار از روایی و اعتبار مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه FCQ-T (پرسش‌نامه ولع به غذا) به عنوان یکی از معتبرترین مقیاس‌های چندبعدی ولع به شمار می‌رود. خاصیت چندبعدی بودن FCQ-T به درمانگران و پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا تمامی مؤلفه‌های عمده‌ی این رفتار را سنجیده و با دیدی جامع‌گرایانه‌تر بتوانند درمان روان‌شناختی مناسبی را برای افراد دارای مشکلات مرتبط با وزن و خوردن طراحی کنند.

به طور کلی بررسی‌های بین فرهنگی در حوزه‌ی مسائل روان‌شناختی حائز اهمیت است، چرا که رفتار انسان و متغیرهای کنترل‌کننده‌ی آن می‌تواند در میان فرهنگ‌های مختلف بازنمایی‌های متفاوتی داشته باشند. پدیده‌های مرتبط با خوردن نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در نظر گرفتن بافت و فرهنگ به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا درباره‌ی حقیقت رفتار آدمی استنباط‌های درستی داشته باشند و بر اساس آن عمل کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زبان و محیط می‌توانند طرز تجربه‌ی ولع به غذا در زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار دهند.